

## مقایسه تجربی سنجه‌های دینداری:

### دلالت‌های روش شناسانه کاربرد سه سنجه در یک جمعیت

سید حسین سراج‌زاده، محمدرضا پویافر

(تاریخ دریافت ۸۷/۴/۲۵، تاریخ پذیرش ۸۷/۱۲/۷)

چکیده: موضوع سنجش دینداری همواره یکی از دغدغه‌های اساسی پژوهشگران حوزه دین بوده و بر همین اساس پژوهشگران فراوانی تلاش و اهتمام خود را صرف ساختن سنجه‌های مناسب دینداری کرده‌اند. هرچند که برخی از سنجه‌های ساخته شده بیشتر از بقیه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، با وجود این، هنوز اجماعی درباره مناسبیت سنجه‌ها به وجود نیامده است. پرسشی که نقطه عزیمت این پژوهش قرار گرفته است، این بوده که آیا سنجه‌های متفاوت دینداری میزان دینداری با سایر متغیرها استفاده از سنجه‌های متفاوت منجر به نتایج متفاوتی می‌شود؟ برای بررسی این موضوع، سه سنجه مشهور دینداری که در پژوهش‌های ایرانی مورد استفاده قرار گرفته و با این منظور ساخته شده‌اند (سنجه گلاک و استارک، سنجه شجاعی‌زند و سنجه خداباری‌فرد) در یک جمعیت واحد مورد آزمون قرار گرفتند. این کار به روش پیمایش و با نمونه‌ای ۳۵۲ نفره از دانشجویان خوابگاهی دانشگاه سمنان در سال تحصیلی ۸۵-۸۶ انجام شد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که اولاً، هر سه سنجه از اعتبار و پایایی بالایی برخوردارند. ثانیاً، از نظر تعیین سطح دینداری، سنجه خداباری‌فرد سطح دینداری را بالاتر از دو سنجه دیگر نشان می‌دهد. با این حال، این تفاوت چندان قابل ملاحظه نیست و میزان دینداری نمونه بر حسب هر سه سنجه دینداری در سطح بالایی قرار دارد. ثالثاً، از نظر رابطه دینداری با سایر متغیرها، رابطه‌های به دست آمده برای هر سه سنجه تقریباً یکسان بود. دلالت‌های این یافته‌ها برای پژوهش‌های آتی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

مفاهیم کلیدی: دین، سنجه دینداری، مدل گلاک و استارک، مدل بومی دینداری

## ۱. مقدمه و طرح مسئله

سنجش دینداری همواره یکی از دغدغه‌های اساسی پژوهشگران حوزه دین بوده و تلاش و اهتمام فراوانی به آن اختصاص یافته است. این اهمیت از آن‌جا ناشی می‌شود که تعیین میزان پایبندی افراد به دین و زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر آن و نیز بررسی رابطه دینداری با سایر متغیرهای اجتماعی همواره از موضوعات مهم و مورد توجه پژوهشگران اجتماعی حوزه دین بوده است. به‌طورکلی دو رویکرد کلی در پژوهش‌هایی که به‌نوعی به سنجش دینداری می‌پردازند وجود دارد. طرفداران رویکرد نخست عقیده دارند که اگرچه محتوای آموزه‌ها و اعتقادات ادیان مختلف متفاوت است، ولی دینداری در همه ادیان دارای جنبه‌ها و ابعاد مشابهی است. در نتیجه برای سنجش دینداری می‌توان از مدل واحدی استفاده کرد که شامل مضامین و محتواهای متفاوت و متناسب با ادیان و جوامع مختلف باشد. نمونه بارز چنین رویکردی در مدل سنجش دینداری گلاک و استارک قابل مشاهده است (نگاه کنید به گلاک و استارک، ۱۹۶۵؛ هیل و هود، ۱۹۹۷؛ سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۵). در مقابل، رویکرد دوم قائل به این است که برای هر جامعه یا دست‌کم گروهی از جوامع که مردم آن پیرو یک دین خاص‌اند، باید مدل خاص آن دین را ارائه کرد. طرفداران این رویکرد حتی به ویژگی‌ها و ساختار اجتماعی یک جامعه برای ساخت مدل سنجش دینداری توجه می‌کنند (نگاه کنید به البلیخی، ۲۰۰۷؛ شجاعی‌زند، ۱۳۸۴).

پرسشی که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، این است که صرف نظر از بحث نظری مربوط به عام یا خاص بودن مدل مربوط به سنجش‌های دینداری، با توجه به اهداف پژوهشگران اجتماعی در استفاده از سنجش‌ها، آیا به کاربرد سنجش‌های متفاوت نتایج متفاوتی را در پی خواهد داشت؟ به عبارت دیگر آیا در تعیین سطح دینداری گروه‌های اجتماعی و نیز بررسی رابطه دینداری با سایر متغیرها، که دو هدف عمده پژوهشگران تجربی دین است، سنجش‌های مختلف به نتایج کاملاً متفاوتی می‌انجامند؟ برای پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها لازم است چند سنجش در یک جمعیت آزمون شوند.

از آن‌جا که مطالعات پیشین درباره دینداری در جمعیت‌های آماری متفاوت بوده، در نتیجه امکان پرداختن به پرسش‌های فوق برای آن‌ها فراهم نبوده است. در این مطالعه، سه سنجش دینداری که با رویکردهای مختلفی ساخته و ارائه شده‌اند، به‌طور هم‌زمان روی یک جمعیت و نمونه آماری واحد اجرا شده است. با این کار، عامل دیگر مؤثر بر تفاوت میان نتایج حاصل از کاربرد سنجش‌های مختلف، یعنی خطای فرایند گردآوری اطلاعات و تفاوت ناشی از آن نیز کنترل می‌شود؛ چراکه با اجرای هم‌زمان چند سنجش در یک مطالعه، میزان و نوع این خطا

برای همه آن سنجه‌ها یکسان می‌ماند و اصطلاحاً این عامل - خطای گردآوری اطلاعات - کنترل می‌شود.

علاوه بر مسئله سنجش میزان دینداری، موضوع اعتبار و پایانی سنجه‌های دینداری نیز در مطالعات تجربی از اهمیت بالایی برخوردار است. اگرچه هر کدام از سنجه‌هایی که به‌طور تجربی در پژوهش‌های مختلف به کار رفته‌اند، مورد آزمون اعتبار و پایایی و در صورت لزوم اصلاح سنجه قرار گرفته‌اند، اما مقایسه اعتبار و پایایی این مقیاس‌ها به‌طور همزمان اطلاعات دقیق‌تری را به صورت مقایسه‌ای در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

## ۲. چارچوب مفهومی

تعریف دین و دینداری یکی از موضوعات پرگفت‌وگو و مجادله در بین پژوهشگران اجتماعی و روانی بوده است (نگاه کنید به روف، ۱۹۷۹؛ هیل و هود، ۱۳۸۲؛ همیلتون، ۱۳۸۱؛ شجاعی‌زند، ۱۳۸۴؛ سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۳). در بین جامعه‌شناسان دو رویکرد نسبت به تعریف دین وجود دارد: جوهری<sup>۱</sup> و کارکردی<sup>۲</sup>. رویکردهای کارکردگرا دین را براساس کارکردهایی مثل انسجام اجتماعی و معنابخشی تعریف می‌کنند، درحالی‌که رویکردهای جوهری دین را به همان ترتیبی که مردم آن را می‌فهمند تعریف کرده، آن را مجموعه‌ای از باورها و مناسک می‌دانند که ناظر به موجودات مقدس و متعالی و الگوهای اجتماعی ارتباط با آن‌هاست (گریل و توماس، ۱۹۹۴: ۳). تعریف ما از دین در این پژوهش تعریفی جوهری است و عبارت خواهد بود از «نظامی سازمان‌یافته از باورها (عقاید) و رفتار که به نوعی به حوزه مافوق طبیعی (مابعدالطبیعه) یا قلمرو موجودات الاهی و روحانی مربوط می‌شود». این تعریف در بسیاری از مطالعات تجربی و اجتماعی دین به‌طور ضمنی مورد استفاده قرار می‌گیرد (برای نمونه، شجاعی‌زند، ۱۳۸۴؛ طالبان، ۱۳۸۴؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۳ الف؛ پالس، ۱۳۸۲).

### ۲-۱. تعریف دینداری

تعریف مفهومی: دینی بودن<sup>۳</sup>، عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست‌وجو کرد. فرد دیندار خود را مقید

1. essential

2. functional

3. religiousness

به رعایت دستورات و توصیه‌های دینی می‌داند. همین تقید و اهتمام او به آموزه‌ها و دستورات دینی، او را از انسان‌های دیگر متمایز می‌سازد. بر این اساس، به دو طریق می‌توان فرد دیندار را از دیگران بازشناخت: نخست پابندی و التزام دینی‌اش و دوم «پیامد» دینداری و آثار آن در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او. پس به بیانی کلی‌تر، دینداری یعنی داشتن «التزام دینی»<sup>۱</sup> به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. از آن‌جا که نوع و جهت این تأثیر را ادیان تعیین می‌کنند، کشف و شناسایی آن مستلزم مطالعات درون‌دینی است. عمق و شدت تأثیرگذاری و روند تغییرات آن، مشخصاتی است که از طریق واری‌های بیرونی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به دست می‌آید و لاجرم در آن از روش‌های تجربی - مقایسه‌ای استفاده می‌شود (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۵ و ۲۶).

تعریف عملیاتی دینداری: از اوایل دهه ۶۰ که گرهارد لنسکی نخستین مدل سنجش دینداری را پیشنهاد کرد تا امروزه گونه‌های مختلفی از مدل‌های سنجش دینداری با رویکردهای مختلف ارائه شده‌اند، ابعاد و شاخص‌های دینداری تحولات بسیاری را به خود دیده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۴).

در طول دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، هیچ موضوعی در مطالعات تجربی دین به اندازه تعیین مشخصات مفهومی دینداری مورد توجه قرار نگرفته است. اگرچه مفهوم دینداری پیش از سال ۱۹۶۰ در پژوهش‌های علوم اجتماعی به کار رفت و تعریف عملیاتی شد، ولی چارچوب تحلیلی مورد نیاز برای تعریف عملیاتی این مفهوم در طول دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. سپس در دهه ۱۹۷۰ با پذیرش نگرش‌ها و تکنیک‌های جدید، پژوهش درباره این موضوع به سرعت رشد پیدا کرد. اکنون در پرتو مطالعات متعدد، پژوهشگران به موضعی نسبتاً مشترک رسیده‌اند و اظهار می‌دارند که دین و در نتیجه دینداری پدیده‌هایی چندبعدی هستند (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۳: ۵۸-۶۲).

از آن‌جا که معمولاً هدف از سنجش یک مفهوم مانند دینداری در یک جمعیت معین، به دست آوردن تصویری کلی از یک جامعه در ارتباط با مفهوم مورد بررسی است، روش مطالعه در چنین مواردی نیز باید به گونه‌ای انتخاب شود که نتایج آن تا حد امکان قابل تعمیم به کل جامعه باشد. از این‌رو روش‌های کمی و ابزارهای متناسب با آن، به‌ویژه پرسش‌نامه، مناسب‌ترین روش و ابزار سنجش در چنین مواردی به شمار می‌آیند. بنابراین، برای سنجش دینداری در یک جمعیت، با نمونه‌ای بزرگ و تعمیم‌پذیر، مناسب‌ترین روش و ابزار، روش‌های کمی و استفاده از

پرسش‌نامه است. انواع مختلف سنجه‌های دینداری در واقع در پاسخ به همین نیاز ارائه شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

بیشتر سنجه‌های ارائه‌شده برای دینداری، با توجه به چندبعدی بودن مفهوم دینداری، کمابیش بر مبنای یک مدل نظری که ابعاد آن را مشخص می‌کند، استوار هستند. بر این اساس باید گفت بدون داشتن یک مبنای نظری به‌سختی می‌توان تفکیک و تمایز دقیق و قابل اتکایی میان ابعاد دینداری قائل شد. البته بدون داشتن یک مدل نظری مستحکم نیز می‌توان اقدام به سنجش دینداری کرد، اما در این صورت، سنجه ارائه‌شده تنها پاسخگوی اقتضائات یک پژوهش خاص یا حداکثر پژوهش‌های کاملاً مشابه با پژوهش انجام‌شده خواهد بود. بنابراین برای آن‌که مشخص شود دینداری شامل چند بعد می‌شود و هر بعد چه معرف‌هایی را برای سنجش دربرمی‌گیرد، لازم است بر شالوده یک بنیان نظری یا براساس استقرای تجربی مدلی ساخته و پرداخته شود. بر مبنای این مدل می‌توان برای هر یک از ابعاد گوناگون مفهوم مورد سنجش، معرف‌ها یا گویه‌های مناسبی در نظر گرفته و پرسش‌نامه یا ابزار سنجش خود را بسازیم.

### تفاوت میان مدل و سنجه

پیش از وارد شدن به تعاریف عملیاتی سنجه‌هایی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته، لازم است تا تفاوتی که بین مدل و سنجه وجود دارد، تصریح شود. مدل‌های سنجش، اصولاً مبتنی و مأخوذ از یک چارچوب نظری مشخص یا نتیجه استقرای تجربی هستند. درعین حال، این مدل‌های سنجش، یک دستگاه منسجم مفهومی را می‌سازند و مسیر و روش‌های امکان‌پذیر مطالعه را نیز مشخص می‌کنند. در مقابل، سنجه یک ابزار اندازه‌گیری است که بر مبنای اصول و اجزای یک مدل خاص ساخته می‌شود. بنابراین، میان «مدل دینداری» و «سنجه‌های اندازه‌گیری» میزان و تغییرات آن، فاصله قابل توجهی وجود دارد که باید با عملیاتی‌سازی مفاهیم و تعیین معرف‌های مفهومی پیموده شود. به‌علاوه، عوامل دیگری از قبیل اقتضائات مربوط به موضوع و جمعیت مورد مطالعه، امکانات زمانی و مکانی و مالی و بضاعت علمی و سلاقی روش‌شناختی محقق هم در انتخاب و ساخت یک سنجه مؤثر است. نکته مهم این‌که، ممکن است برخی از مدل‌ها به سبب گستردگی و پیچیدگی‌شان نیازمند بهره‌گیری از روش‌های چندگانه باشند و در نتیجه ر عملیاتی‌کردن آن‌ها به بیش از یک سنجه نیاز شود. علاوه بر این هر سنجه تا رسیدن به یک شکل استاندارد نهایی و مقبول احتمالاً دچار تغییرات متعددی خواهد شد. بنابراین همان‌طور که شجاعی‌زند (۱۳۸۴: ۵۱ و ۵۲) یادآور می‌شود، اصرار بر یک روش یا سنجه

ثابت در طول زمان مانع از پیشرفت در مطالعات دینداری و دستیابی به الگوهای بهینه خواهد بود.

## ۲-۲. معرفی سنجه‌های مورد استفاده

با اهمیت یافتن پژوهش‌های تجربی درباره دین در بین روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ایران در دهه گذشته، تلاش‌هایی به منظور ارائه سنجه‌های معتبر از دینداری صورت گرفته است. در سال ۱۳۷۵ سراج‌زاده سنجه گلاک و استارک را که یک سنجه پرکاربرد در بین پژوهشگران اجتماعی است با آموزه‌های دینی تشیع تطبیق داد و در پژوهش خود مورد استفاده قرار گرفت (نگاه کنید به سراج‌زاده، ۱۹۹۸ و سراج‌زاده، الف: ۱۳۸۳-۱۶۴-۱۹۶). این سنجه سپس بارها در سایر تحقیقات داخلی مورد استفاده قرار گرفت (نگاه کنید به کاظمی و فرجی، ۱۳۸۵). بنابراین، سنجه گلاک و استارک به دلیل تکرار در استفاده به عنوان یکی از سنجه‌های مورد بررسی انتخاب شده است. در بین پژوهشگران ایرانی تلاش‌های دیگری نیز برای ساختن سنجه‌های دینداری و کاربرد آن‌ها در پژوهش‌های اجتماعی انجام شده است. در این بین شجاعی‌زند (۱۳۸۴) از حوزه جامعه‌شناسی و گلزاری (۱۳۸۴) و خدایاری‌فرد (۱۳۸۵) از حوزه روان‌شناسی کوشیده‌اند تا مدل و سنجه‌های مستقلی برای کاربرد در جامعه ایران ارائه کنند. از میان دو سنجه روان‌شناختی، سنجه خدایاری‌فرد مورد استفاده این پژوهش قرار گرفت زیرا امکان دسترسی به آخرین نسخه سنجه گلزاری فراهم نشد. مهم‌تر آن‌که گلزاری معتقد است سنجش اعتقادات دینی واریانس قابل توجهی ندارد و در نتیجه باید از سنجش دینداری حذف شود (گلزاری، ۱۳۸۴). این عقیده موجب تمایز سنجه گلزاری از سنجه‌های دیگر می‌شود. همچنین آخرین نسخه اصلاح‌شده کار خدایاری‌فرد مبتنی بر کار جمعی از روان‌شناسان است که می‌تواند از اولویت بیشتری برای بررسی و مطالعه برخوردار باشد. در کنار این سنجه روان‌شناختی، سنجه شجاعی‌زند هم برای بررسی مقایسه‌ای شایان توجه است زیرا حاصل بررسی انتقادی وی از مدل‌های دینداری ساخته‌شده در غرب و اهتمام نظری وی برای ارائه یک مدل و سنجه ویژه برای اسلام و ایران است. در ادامه این سه سنجه با اختصار معرفی می‌شوند.

### ۲-۲-۱. سنجه گلاک و استارک با عنوان «مقیاس تعهد دینی»

طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، در تلاش برای فهم و تبیین دین در امریکا گلاک بحث ابعاد التزام دینی را مطرح کرد. وی این بحث را در سال ۱۹۶۲ گسترش داد و با همکاری استارک در سال ۱۹۶۵ به شرح و بسط آن پرداخت. هدف اصلی آن‌ها از طرح این مباحث عموماً درک شیوه‌های مختلفی بود که مردم با توسل به آن خود را مذهبی تلقی می‌کردند. به نظر گلاک و

استارک همه ادیان جهانی به‌رغم آن‌که در جزئیات بسیار متفاوت‌اند، دارای حوزه‌هایی کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها، جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها که می‌توان آن‌ها را به‌مثابه ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت، عبارت‌اند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۱۸-۳۷).

بعد اعتقادی<sup>۱</sup>، باورهایی را دربرمی‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین، به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین خاص، به سه نوع باور تقسیم کردند: باورهای پایه‌ای مسلم که ناظر به شهادت دادن به وجود خداوند و معرفی ذات و صفات اوست، باورهای غایتگرا که هدف و خواست خداوند از خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف بازمی‌نمایانند و باورهای زمینه‌ساز که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی‌ای را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آن‌ها توجه کند، در برمی‌گیرد.

بعد مناسکی<sup>۲</sup> یا عمل دینی، اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه گرفتن و... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به‌جا آورند، دربرمی‌گیرد. گلاک و استارک بر این نکته تأکید ورزیدند که لازم است در عملیاتی‌کردن این بعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی شود.

بعد تجربی<sup>۳</sup> یا عواطف دینی، در عواطف تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. گلاک و استارک در عین آگاهی از مشکلات مطالعه بعد تجربی دین، برای تعریف عملیاتی این بعد، روشی را مطرح کردند که چهار نوع از جلوه‌های عواطف دینی، شامل توجه، شناخت، اعتماد یا ایمان، و ترس را دربرمی‌گرفت.

بعد فکری یا دانش دینی<sup>۴</sup>، اطلاعات و دانش اساسی را در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس که انتظار می‌رود پیروان آن‌ها را بدانند، شامل می‌شود.

بعد پیامدی<sup>۵</sup> یا آثار دینی، شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با دیگران است (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۱۸-۳۷؛ سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۴). این ابعاد به‌طور خلاصه در جدول ۱ آمده است.

1. ideological/religious belief
2. ritualistic/religious practice
3. experimental/religious feeling
4. intellectual/religious knowledge
5. consequential/religious effects

جدول شماره ۱. مدل سنجش دینداری در سنجه گلاک و استارک

مؤلفه هر بعد	ابعاد دینداری
باورهای پایه ای مسلم	اعتقادی
باورهای غایتگرا	
باورهای زمینه‌ساز	
عبادت	مناسکی
نماز	
روزه	
شرکت در آیین های مقدس خاص	تجربی (عواطف دینی)
توجه	
شناخت	
اعتماد و ایمان	
ترس	پیامدی
پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره	

سنجه گلاک و استارک مهم‌ترین کاری است که به‌نوعی بر تمام حوزه مطالعات سنجش دینداری اثر داشته است. «مقیاس تعهد دینی» گلاک و استارک (۱۹۶۶) به‌نوعی پرکاربردترین سنجه غربی در پژوهش‌های دینداری جامعه‌شناسان داخلی است (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۵). با آن‌که این مدل دارای پنج بُعد است، ولی در سنجه‌های مورد استفاده در ایران با این استدلال که آموزش رسمی اجباری دین در نظام آموزشی کشور باعث می‌شود تا دانش دینی معرف مناسبی برای التزام دینی نباشد (سراج‌زاده، ۱۳۸۳ الف: ۱۶۸)، بعد دانش دینی به کار نرفته است. در نتیجه، سنجه گلاک و استارک در این پژوهش با چهار بعد اعتقادی (۷ گویه)، بعد عواطف دینی یا تجربی (۶ گویه)، بعد پیامدی (۶ گویه) و بعد مناسکی (۷ گویه) تعریف عملیاتی شده است.

۲-۲-۲. مدل و سنجه دینداری شجاعی زند

شجاعی‌زند (۱۳۸۴) با این استدلال که مدل‌های غربی موجود برای دینداری، عموماً تفاوت‌های میان ادیان و پیروان آن‌ها را در جوامع مختلف نادیده انگاشته و برحسب دین مسیحیت طراحی و تدوین شده‌اند، در پی آن برآمده تا بر مبنای اصول دین اسلام، شرایط



اجتماعی ایران و در نظر گرفتن اصول لازم برای یک مدل جامع سنجش دینداری، ابعاد مختلف دین را از دیدگاه جامعه‌شناختی متمایز و تبیین کند. به اعتقاد وی، دینداری دارای ابعاد و اجزایی برآمده از وجوه مختلف دین است که به توبه خود در تناسب با ابعاد وجودی انسان است، لذا او تلاش دارد تا مدل پیشنهادی‌اش از یک سو بیانگر نسبت‌های منطقی میان این مقولات باشد و از سوی دیگر علاوه بر ابعاد، تجلیات دینداری مانند آثار و پیامدهای عمیق آن را که در سنجش به کار می‌آیند، نمایان سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۲ و ۵۳).

به نظر شجاعی‌زند، از آن‌جا که دین برای انسان است، نمی‌تواند ناظر به جنبه‌ها و ابعادی فراتر از ابعاد وجود انسان باشد. وی برای آن‌که ابعاد دین و دینداری را به ابعاد وجودی انسان مرتبط کرده و مدلی برای سنجش دینداری در ایران بسازد، به آرای اجتماعی فلاسفه و متکلمان مسلمان در این باره متوسل می‌شود. زیرا به نظر او اختلاف نظر در چیستی دینداری یک دعوای کلامی است که تنها با مراجعه به متن مقدس یک آیین یا بررسی تجربه و تعالیم نخستین آن قابل رفع است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۷ و ۳۸). بر این اساس، با تلقی دینداری به عنوان تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد و پیگیری آن از طریق ابعاد تفصیلی یافته‌اش، یعنی عقیده، ایمان، عبادت، اخلاق و شریعت، پنج بعد را برای دینداری در نظر می‌گیرد که

جدول شماره ۲. مدل سنجش دینداری در سنجش شجاعی‌زند

ابعاد وجودی انسان	وجوه دین	ابعاد دین	ابعاد دینداری	نشانه‌های دینداری	پی‌آمدهای دینداری
ذهن	معرفتی	اعتقادات	معتقد بودن	داشتن معلومات دینی	بینش الهی
روان	عاطفی	ایمانیات	مؤمن بودن		اهل معنا بودن
		عبادیات	اهل عبادت بودن		
			انجام فردی عبادت انجام جمعی عبادت		
		اخلاقیات	اخلاقی عمل کردن		متخلق بودن
تن	عملی	شرعیات	متشروع بودن	عمل به تکالیف فردی	داشتن ظاهر دینی ابراز هویت دینی
				عمل به تکالیف جمعی	داشتن اهتمام شعائری
					داشتن مشارکت دینی
					داشتن معاشرت دینی
					اهتمام دینی در خانواده

مأخذ: شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۴.

شامل معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشروع بودن است. این

مجموعه به‌طور خلاصه در مدل زیر، به شکلی که یک دستگاه منسجم مفهومی را پدید آورد و مراتب و پیوند میان اجزای آن را نیز نشان دهد، ارائه شده است.

شجاعی‌زند، بعد معتقد بودن (اعتقادیات) را از مؤمن بودن (ایمانیات) متمایز می‌کند. او معتقد است «عقیده» محتوای نظری یک آیین است که ناظر به موضوعات بنیادین هستی‌شناختی و مسائل غایی حیات است. اما «ایمان» شدت تعلق و عمق دلبستگی و میزان اعتماد و اتکای به آن محتوا را می‌رساند. در واقع، عقیده از بعد ذهنی وجود انسان و ایمان از بعد روانی-عاطفی آن ناشی شده است. به همین شکل، نخستین مفهوم به وجه معرفتی و دومی به وجه عاطفی دین نزدیک‌تر است (همان: ۵۸). بنابراین، شجاعی‌زند معتقد است که بعد ایمانیات از طریق ابزارهای کمی مانند پرسش‌نامه قابل سنجش نیست. در نتیجه، براساس تعریف عملیاتی انجام‌گرفته در مدل سنجش دینداری شجاعی‌زند، این سنجه شامل ابعاد اعتقادات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات است. سنجه شجاعی‌زند نخستین‌بار در پژوهش حبیب‌زاده (۱۳۸۴) به صورت ناقصی تعریف عملیاتی شد و مورد استفاده قرار گرفت. اما در این پژوهش، سنجه با نظر طراح مدل تعریف عملیاتی شده است.

#### ۲-۲-۳. سنجه دینداری خدایاری فرد

سنجه ارائه‌شده از سوی خدایاری‌فرد مبتنی بر مطالعه تجربی در میان جمعیت دانشجویان است. به عبارت دیگر، او مقیاس سنجش دینداری خود را پس از ساخت به آزمون تجربی نهاده است. نخستین تلاش او در این باب در سال ۱۳۷۸ در پژوهشی با عنوان «تهیه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان» ارائه شده است. آخرین نسخه سنجه خدایاری‌فرد در گزارش تحقیق «آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری دانشجویان» (۱۳۸۶) منتشر شده است. این کار به همراهی گروهی از پژوهشگران روان‌شناس و با حمایت «انسیتو روانپزشکی و مرکز تحقیقات بهداشت روان» انجام شده است. سنجه‌ای که به عنوان سنجه خدایاری‌فرد در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته، برگرفته از همین گزارش است.

بر اساس گزارش خدایاری‌فرد (۱۳۸۶)، تعریف دینداری در مدل وی مبتنی بر چهار نوع رابطه‌ای است که سید محمدباقر صدر در الفتاوی الواضحه به عنوان ساختار معارف اسلام مطرح می‌کند؛ یعنی رابطه انسان با خداوند، با خود، دیگران و جهان هستی. این ساختار با سه عنصر اساسی (عقاید، اخلاقیات و احکام) هماهنگ است که در تعریف دین توسط تعدادی از علما از جمله جوادی آملی و مطهری مطرح شده است. از این نظر،

با توجه به این عناصر اصلی در دین و ویژگی‌های روان‌شناختی، عاطفی و رفتاری، دینداری چنین تعریف می‌شود: «شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، آخرت و جهان هستی در جهت قرب به خدا و التزام و عمل به وظایف دینی». در این تعریف سه بعد شناخت و باور، علایق و عواطف، و التزام و عمل با ابعاد فرعی به شرحی که در پی می‌آید تفکیک شده‌اند.

#### ۱. شناخت و باور دینی:

— شناخت: به معنای دانش اصول دین یعنی یقین به خدا، آخرت، پیامبران و آگاهی از فروع دین است. باور: باور به معنای پذیرش، اقرار و تصدیق قلبی نسبت به اصول و شرایع دین است.

#### ۲. علایق و عواطف دینی:

شامل تمام احساسات و عواطف مثبت و منفی است. عواطف مثبت در راستای شناخت و پذیرش قلبی نسبت به پروردگار یکتا و اولیای او، مؤمنان و تمامی دینداران، احکام دین، جهان هستی و جهان پس از مرگ در فرد دیندار به وجود می‌آید. عواطف منفی تحت تأثیر محبت به خدا و دین خدا، نسبت به دشمنان دین الهی و پیامبران و اولیای آن مطرح می‌شود.

— عواطف مثبت (حب): عبارت از احساس دوستی، تعلق خاطر و وابستگی قلبی به خدا، خود، دیگران و جهان هستی است.

— عواطف منفی: عبارت است از احساس دشمنی یا کراهت نسبت به کسانی که دشمن راه خدا، پیامبران و اولیای دین‌اند.

#### ۳. التزام و عمل به وظایف دینی:

یعنی فرد دیندار در پی به وجود آمدن معرفت و احساس عاطفی نسبت به پروردگار، انبیا و اولیای دین، انجام تکالیف و احکام دینی را در حیطه شخصی، اجتماعی و اقتصادی بر خود بایسته بداند. مصادیق زیر مؤلفه‌های بعد «التزام و عمل به وظایف دینی» عبارت‌اند از:

#### اخلاق:

فردی: نماز، روزه، توکل، اجتناب از گناه، اخلاص، شکرگزاری، صبر، رفع نیازهای طبیعی، به‌طور متعادل، فضیلت‌جویی، پرورش نیروی عقلانی، پرهیز از لغو، رعایت حلال و حرام. اجتماعی: خوش‌اخلاقی و نیکوسازی رفتار، عفو و گذشت، وفای به عهد، صبر و حلم، احسان، ایثار، تعاون و همکاری، خمس و زکات، حج و جهاد، یاری مظلوم، اصلاح بین افراد، امر به معروف و نهی از منکر.

#### احکام:

فردی: نماز، روزه، حفظ محیط زیست، رعایت حلال و حرام، پرهیز از نگاه به نامحرم.

اجتماعی: خمس و زکات، حج و جهاد، رعایت حقوق ذوی‌الحقوق (خدایاری فرد، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۸).

مجموعه ابعاد دینداری در مدل خدایاری فرد در جدول ۳ آمده است. تعداد گویه‌های مربوط به هر بعد در پرسش‌نامه نهایی عبارت است از: ۳۸ گویه برای شناخت و باور دینی، شامل ۱۳ گویه برای مؤلفه شناخت دینی و ۲۵ گویه برای مؤلفه باورهای دینی، ۲۰ گویه برای علائق و عواطف دینی، و ۵۵ گویه برای التزام و عمل به وظایف دینی.

جدول شماره ۳. مدل سنجش دینداری در سنجه خدایاری فرد

خدا	شناخت دینی	شناخت و باور دینی	دینداری
انبیا و اولیا			
آخرت			
وظایف دینی	باورهای دینی		
پذیرش خدا، عالم غیب و ملائکه			
پذیرش انبیا و اولیا و کتب آسمانی			
پذیرش زندگی اخروی			
پذیرش احکام و قوانین الهی	عواطف مثبت عواطف منفی	گرایش‌ها، علائق و عواطف دینی	
خدا			
پیامبران و امامان ذوی‌الحقوق			
دشمنان خدا و اولیای خدا			
وابستگی به دنیا	اخلاق احکام	التزام و عمل به وظایف دینی	
فردی			
اجتماعی			
اجتماعی			

مأخذ: خدایاری فرد، ۱۳۸۵: ۹۵.

### ۲-۳. مقایسه ابعاد نظری سنجه‌های مورد بررسی

مدل گلاک و استارک بر یک مبنای استقرایی و با مقایسه، تدقیق، و تأمل در وجوه دینداری ادیان مختلف و نیز با بررسی تجربی سنجه‌های دینداری پیشین، و با فرض این‌که همه ادیان علی‌رغم تفاوت در محتوا، قالب‌ها و جلوه‌های واحدی دارند ارائه شده است (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۱۸-۱۹). به عبارت دیگر می‌توان گفت که پیش‌فرض نظری گلاک و استارک وحدت صورت ادیان براساس یک تعریف غایت‌گرایانه از دین بوده است (همان: ۱۷) و بر این اساس پنج بعد را تشخیص می‌دهند و آن‌ها را در همه ادیان مشترک می‌دانند. با وجود این، دقت روش‌شناسانه آن‌ها ایجاب می‌کند که مطالعات تجربی مقایسه‌ای را برای تعیین اعتبار بین فرهنگی مدل خود پیشنهاد کنند (همان: ۳۸). شجاعی‌زند و خدایاری‌فرد نقطه عزیمت نظری و روشی تا حدی متفاوت با گلاک و استارک دارند. آن‌ها به روشی قیاسی با استناد به آرای متکلمان مسلمان ابعاد دین و دینداری را استنتاج کرده و در مدل خود معرفی می‌کنند (شجاعی‌زند، ۵۷: ۱۳۸۴؛ خدایاری‌فرد، ۱۳۸۶). شجاعی‌زند این وجوه و ابعاد را براساس ابعاد وجودی انسان (ذهن، روان، و تن) و متناظر با این وجوه بسط می‌دهد. با وجود این، او سه جنبه معرفتی، عاطفی، و رفتاری دین را (که متناظر با سه بعد ذهنی، روانی، و تنی وجود انسان هستند)، برای همه ادیان مشترک می‌داند. علی‌رغم این‌که نقطه عزیمت نظری و روش‌شناسانه گلاک و استارک با شجاعی‌زند و خدایاری‌فرد متفاوت است، در نهایت ابعاد معرفی شده برای دینداری در مدل‌های آنان به نوعی متناظراند.

در هر سه مدل سنجش دینداری، بعد اعتقادی (معتقد بودن) با اندکی تفاوت، تنها بعد مشترک است. این بعد در مدل خدایاری‌فرد با عنوان «شناخت و باور دینی» آمده است. در این مورد باید خاطر نشان کرد که بعد «اعتقادات» در مدل شجاعی‌زند، شامل «داشتن معلومات دینی» به عنوان یکی از نشانه‌های دینداری ذیل این بعد نیز می‌شود؛ یعنی همان عنوانی که در مدل غربی گلاک و استارک به عنوان یک بعد مستقل «دانش دینی» می‌آید. علاوه بر این، شجاعی‌زند، به دلایلی که پیش از این آمد، ایمان را از اعتقاد متمایز می‌کند.

آنچه در سنجه گلاک و استارک به عنوان بعد تجربی (عواطف دینی) مطرح است، از نظر شجاعی‌زند نوعی تقلیل بعد مؤمن بودن (ایمانیات) است که غربیان در سنت مسیحی برای منظورکردن بعد ایمان در سنجه‌های دینداری به کار برده‌اند. بنابراین، در مدل شجاعی‌زند بعدی با عنوان «تجربه (عواطف دینی)» مشاهده نمی‌شود. در

مقابل همان‌طور که گفته شد، شجاعی‌زند قائل به بعدی به نام ایمانیات (مؤمن بودن) برای دینداری است که از نظر مفهومی تا حدی شبیه به بعد تجربی است، اما قایل سنجش با ابزاری مانند پرسشنامه نیست. شجاعی‌زند بعد تجربی را تقلیل بعد ایمانیات برای سنجش‌پذیر ساختن آن می‌داند. بعد تجربی (عواطف دینی) به شکلی مشابه با مدل گلاک و استارک در مدل خدایاری فرد با عنوان «علائق و عواطف دینی» وجود دارد. اما بعد «علائق و عواطف دینی» در مدل خدایاری فرد بیشتر معطوف به محبت خدا و اولیای خدا و ذوی‌الحقوق و دشمنی و عواطف منفی نسبت به دشمنان خدا و اولیای خدا و یا وابستگی به دنیاست؛ درحالی‌که بعد تجربی (عواطف دینی) در مدل گلاک و استارک بسیار کلی‌تر از حب و بغض دینی و شامل عواطف و احساساتی مانند ترس و توبه، تقرب نسبت به خداوند و موجودات متعالی دینی است. همچنین بعد تجربی (عواطف دینی) در مدل گلاک و استارک شامل زیرمؤلفه «ایمان» نیز می‌شود؛ یعنی آنچه در مدل شجاعی‌زند به عنوان یک بعد مستقل مطرح می‌شود (بعد مؤمن بودن یا ایمانیات). البته شاید عدم حضور بعدی مستقل با عنوان تجربه (عواطف دینی) در مدل شجاعی‌زند به دلیل آن باشد که اساساً شجاعی‌زند وجه عاطفی را یکی از وجوه (و نه ابعاد) دین — در کنار وجوهی مانند وجه معرفتی، ارادی و عملی — می‌داند.

در باب ابعاد رفتاری، مدل گلاک و استارک شامل دو بعد مناسکی و پیامدهی (پیامدهای دینداری) است. اما شجاعی‌زند، ابعاد رفتاری را شامل عبادیات، اخلاقیات و شرعیات می‌داند. تفاوت ابعاد رفتاری دینداری در دو مدل گلاک و استارک و شجاعی‌زند در این‌جاست که شجاعی‌زند، آنچه را در مدل گلاک و استارک به عنوان پیامدهای دینداری مطرح است، با دو بعد شرعیات و اخلاقیات تفکیک می‌کند. او دلیل این کار را این ایراد در مدل گلاک و استارک می‌بیند که در این مدل، پیامدهای دینداری با نشانه‌های آن به‌اشتباه به هم آمیخته شده‌اند. به همین دلیل، پیامدهای دینداری در مدل شجاعی‌زند نه یک بعد، بلکه سطحی از انتزاع را تشکیل می‌دهند. به همین لحاظ است که می‌بینیم در مدل شجاعی‌زند، داشتن معلومات دینی — یعنی آنچه در مدل گلاک و استارک به عنوان بعد دانش دینی مطرح است — به عنوان یکی از «نشانه‌ها» و نه یک بعد دینداری مطرح می‌شود. صرف‌نظر از این اختلاف در سطح نظری، رفتارهای دینی که در قالب بعد پیامدهی مدل گلاک و استارک مطرح است، در دو بعد «اخلاقیات» و «شرعیات» مدل شجاعی‌زند از هم متمایز می‌شوند. به دلیل این تمایز، مدل شجاعی‌زند حاوی معرف‌های جزئی‌تری در سنجش

شرعیات - یا پیامدهای دینداری در مدل گلاک و استارک - است. به عنوان نمونه، در مدل شجاعی‌زند داشتن مشارکت دینی (با مصادیقی همچون تعلیمات دینی، امور خیریه و ساخت و تعمیر اماکن مذهبی)، داشتن معاشرت دینی و یا اهتمام دینی در خانواده، به عنوان نشانه‌های بعد شرعیات مطرح می‌شوند.

به جز بحث اختلاط یا تمایز ابعاد پیامدی (در مدل گلاک و استارک) یا شرعیات و اخلاقیات (در مدل شجاعی‌زند) آنچه در بعد مناسکی مدل گلاک و استارک می‌گنجد، در مدل شجاعی‌زند در قالب بعد عبادیات (عبادت‌کردن) قرار می‌گیرد. در واقع به رغم تفاوت لفظی در عنوان این بعد در دو مدل یادشده، محتوای آن‌ها مشابه است.

ابعاد رفتاری دینداری در مدل خدایاری فرد به‌طور کلی زیر عنوان «بعد التزام و عمل به وظایف دینی» می‌آید. بنابراین، در مدل خدایاری فرد، تفکیک و تمایزی میان وجوه عبادی یا پیامدی (و به عبارت شجاعی‌زند، اخلاقیات و شرعیات) به صورت ابعاد مستقل وجود ندارد. هرچند ذیل بعد «التزام و عمل به وظایف دینی» دو وجه اخلاق و احکام از هم متمایز شده و ذیل این دو وجه نیز، بخش‌های فردی و اجتماعی این وجوه از هم تفکیک شده‌اند، با این حال، باید گفت آنچه در بعد رفتاری دینداری در مدل خدایاری فرد بر آن تأکید می‌شود، بیشتر «وظایف دینی» است؛ یعنی آنچه در فقه اسلامی به عنوان «امر واجب» از آن یاد می‌شود. این در حالی است که در دو مدل دیگر، بعد رفتاری دینداری شامل موارد دیگری به غیر از واجبات نیز می‌شود.

در جدول شماره ۴ تلاش شده تا ابعاد متناظر مدل‌های مورد استفاده، بر اساس مشابهت محتوا و مضمون آن‌ها، مشخص شوند.

جدول شماره ۴. ابعاد متناظر دینداری در سه مدل نظری مورد بررسی

ابعاد مدل خدایاری فرد	ابعاد مدل گلاک و استارک	ابعاد مدل شجاعی‌زند
شناخت و باور دینی	بعد اعتقادی	معتقدبودن (اعتقادات)
علاایق و عواطف دینی	بعد تجربی (عواطف دینی)	مؤمن بودن (ایمانیات)
التزام و عمل به وظایف دینی	بعد پیامدی	اخلاقی عمل کردن (اخلاقیات)
	بعد مناسکی	متشرع بودن (شرعیات)
		عبادت کردن (عبادیات)

## ۳. روش مطالعه

## ۳-۱. نوع مطالعه

به اقتضای موضوع مورد پژوهش و اهداف آن که مقایسه تأثیر کاربرد سنجه‌های مختلف دینداری بر تعیین میزان دینداری و بررسی رابطه دینداری با متغیرهای مختلف است، ناگزیر پژوهش حاضر یک مطالعه کمی بوده است. علاوه بر این، از آنجا که ابزار گردآوری داده‌ها براساس این سنجه، پرسش‌نامه‌ای است که در نمونه‌ای از یک جمعیت بزرگ اجرا می‌شود، این مطالعه پیمایشی است. از جهت زمانی نیز با توجه به آنکه کار بررسی مبتنی بر مطالعه یک جمعیت در یک زمان خاص است، یک مطالعه مقطعی محسوب می‌شود. علاوه بر این، از آنجا که این مطالعه در پی کشف تفاوت و شباهت سنجه‌های مورد بررسی - و نه علت‌کاوی رابطه میان متغیرها - است، یک مطالعه توصیفی خواهد بود؛ هرچند در بررسی تفاوت تحلیل رابطه و اعتبار سنجه‌ها، روابط بین متغیرها هم آزمون خواهد شد.

## ۳-۲. جمعیت و نمونه

همان‌طور که اشاره شد برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های تحقیق لازم است تا سه سنجه مورد بررسی به‌طور هم‌زمان در نمونه‌ای واحد از یک جمعیت آزمون شوند. برای این منظور دانشجویان خوابگاهی دانشگاه سمنان انتخاب شدند. این دانشگاه دارای ۱۹۲۸ دانشجوی خوابگاهی (تا پایان سال تحصیلی ۸۵-۸۶) بود. از آنجا که دانشجویان دانشگاه سمنان از شهرهای مختلف کشور هستند، جمعیت این مطالعه به میزان مناسبی از گوناگونی برخوردار است. برای محاسبه اندازه نمونه از فرمول اصلاح شده کوکران و با فرض بیشترین پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه ( $p=0/5$  و  $q=0/5$ )، احتمال خطای نمونه‌گیری حداکثر ۵ درصد و دقت احتمالی (d) ۰/۰۵ استفاده شد. بر این اساس حجم نمونه برابر با ۳۲۰ نفر به دست آمد. با پیش‌بینی ریزش احتمالی نمونه - که در این مطالعه به دلیل شکل اجرای پرسشنامه (تکمیل پرسشنامه به وسیله خود پاسخگو) ممکن بوده بیشتر از پژوهش‌های مشابه باشد - حدود ۱۰ درصد به حجم نمونه افزوده شد. در نهایت ۳۵۲ نفر به عنوان نمونه اصلی پژوهش تعیین شد. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای (هر خوابگاه یک خوشه) با پوشش تمام خوشه‌ها انجام شد و افراد نمونه در درون هر خوشه به صورت تصادفی و متناسب با حجم خوشه انتخاب شدند. لازم به ذکر است که برای بررسی اعتبار سنجه‌ها از آزمون گروه معیار هم استفاده شده است. برای



این منظور یک نمونه ۳۵ نفره از افرادی که دیندارتر شناخته می‌شدند و نیز به همان تعداد از افرادی که کمتر دیندار شناخته می‌شدند، انتخاب و سنج‌های دینداری بین آن‌ها اجرا شد.

برای بررسی تفاوت و نیز تعیین اعتبار سازه سنج‌ها از رابطه دینداری با متغیرهای بزهکاری، انومی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و استفاده شد. این متغیرها به این دلیل مطرح شدند که براساس تحقیقات پیشین بین آن‌ها و دینداری رابطه‌ای وجود دارد (به عنوان نمونه نگاه کنید به جانسون، جانگ، لارسن و دلی، ۲۰۰۱؛ ویتن، ۲۰۰۵؛ پری ۲۰۰۷؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۳؛ طالبان، ۱۳۸۰). در این جا لازم است تعریف عملیاتی این متغیرها به اختصار مطرح شود.

### ۳-۳. متغیرهای مورد بررسی

دینداری: همان‌طور که توضیح داده شد، متغیر اصلی این تحقیق دینداری است که براساس سه سنج گلاک و استارک، شجاعی‌زند، و خدایاری‌فرد، به ترتیب با ۲۶، ۲۹، و ۱۱۳ گویه، تعریف عملیاتی شده است. گویه‌های مربوط به هر سنج در بخش پیوست آمده است. در چینش سؤالات مربوط به سه سنج دینداری، سؤالات مربوط به آن‌ها طوری در یکدیگر آمیخته شده‌اند که در نظر پاسخگو هیچ تمایزی بین سؤالات سه سنج مورد مطالعه آشکار نبوده و سؤالات سنج‌های مورد بررسی به صورت تصادفی بین یکدیگر قرار گرفته‌اند. از آن‌جا که در این مطالعه امکان هیچ دخل و تصرفی در سؤالات پرسش‌نامه سنج‌های مورد بررسی نبوده است، به ناگزیر تعدادی از سؤالات مربوط به ابعاد و مؤلفه‌های مشترک دیندار بین سه سنج، تا حدی به هم شبیه شده‌اند.

کجروی<sup>۱</sup>: عمل یا رفتاری که به نوعی ناقض هنجارهای رسمی یا غیررسمی جامعه باشد کجروی تعریف شده است. در این پژوهش، به مانند پژوهش‌های عمده‌ای که در باب کجروی جوانان در کشور انجام گرفته و به ویژه پژوهش سراج‌زاده (۱۳۸۳ ب و ۱۹۹۸) و طالبان (۱۳۷۸)، این مفهوم با استفاده از سنج خودگزارشی سنجیده شده است. تعریف عملیاتی این مفهوم مبتنی بر سنجش شاخص‌هایی چون پرخاشگری، مصرف مواد مخدر، دزدی، تخریب، کجروی جنسی و کجروی فرهنگی است. کجروی فرهنگی ناظر به آن

1. delinquency

رفتاری است که براساس معیارهای اخلاقی و نظام هنجاری سنتی و اسلامی ناپسند و جرم به حساب می‌آیند؛ مانند عدم رعایت پوشش اسلامی و استفاده از فیلم‌ها و موسیقی‌های غیر مجاز (سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

برای آزمون پایایی مقیاس کجروی ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. بر این اساس، آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای مقیاس کجروی برابر با  $0/70$  بوده که در حد مناسبی برای پایایی مقیاس است.

آنومی<sup>۱</sup>: منظور از آنومی یا آشفتگی اجتماعی، یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند براساس یک نظام از قواعد مشترک ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند؛ در نتیجه نظم فرهنگی و اجتماعی از هم پاشیده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۳). برای تعریف عملیاتی مفهوم آنومی در این مطالعه از گویه‌های به کاررفته در طرح «نگرش‌ها و رفتار دانشجویان» (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۲) استفاده شده است. بر این اساس، ۷ گویه برای سنجش آنومی در این مطالعه در نظر گرفته شد.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی<sup>۲</sup>: پایگاه اجتماعی-اقتصادی، متضمن رتبه یا مقام یک فرد در یک گروه، یا رتبه و مقام یک گروه نسبت به گروه‌های دیگر است (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۱۲۶). به عبارت دیگر، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، منزلت و جایگاهی است که هر فرد در جامعه از آن برخوردار است و یا تصور آن را دارد. از آن‌جا که اکثر قریب به اتفاق دانشجویان از نظر اقتصادی وابسته به خانواده پدر و مادری خود هستند، تعریف عملیاتی این مفهوم در مورد دانشجویان مبتنی بر پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده فرد است. برای تعریف عملیاتی این مفهوم، آن را به‌مانند روال رایج در پژوهش‌های اجتماعی، با سه بعد منزلت شغلی، درآمد و سطح اقتصادی و میزان تحصیلات می‌سنجیم.

برای طبقه‌بندی مشاغل مختلف در تعریف عملیاتی منزلت شغلی، از پژوهشی که کاظمی‌پور (۱۳۷۴) انجام داده، استفاده شده. برای تعریف عملیاتی درآمد اقتصادی به عنوان یکی از سه بعد پایگاه اقتصادی-اجتماعی، درآمد پدر یا سرپرست خانواده به عنوان شاخص درآمد اقتصادی محسوب شد. برای سنجش تحصیلات نیز، میانگین تحصیلات پدر و مادر (در صورت فوت پدر و مادر، آخرین مدرک تحصیلی آنان در زمان حیات) فرد را به عنوان شاخص تحصیلات در نظر گرفته شد. آلفای کرونباخ برای مقیاس پایگاه اجتماعی-اقتصادی برابر با  $0/73$  به دست آمده است، که حکایت از پایایی مناسب این مقیاس دارد.

1. anomie

2. socio-economic status

علاوه بر مفاهیم اصلی تحقیق که تعاریف عملیاتی و مفهومی آن‌ها را ارائه دادیم، «جنسیت» نیز متغیر دیگری است که هم برای آزمون اعتبار سازه و هم برای مقایسه نتایج تحلیل متغیرها در میان سه سنجه مورد بررسی، مطالعه شده است.

### یافته‌های تحقیق

#### خصوصیات زمینه‌ای

از ۳۲۶ نفر افسراد نمونه ۴۹/۱ درصد را مردان و ۵۰/۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. این ترکیب جنسیتی نمونه با ترکیب جنسیتی جمعیت آماری پژوهش تقریباً برابر است (۴۸/۹۶ درصد پسر و ۵۱/۰۴ درصد دختر). از نظر توزیع سنی، بیشترین فراوانی نمونه مورد مطالعه متعلق به گروه سنی ۱۸ تا ۲۰ سال است که ۵۲/۱ درصد از نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، تنها ۶/۹ درصد آنان ۲۵ سال و بالاتر هستند. همچنین از لحاظ وضعیت تأهل، ۹۵/۷ درصد نمونه مورد بررسی مجرد و بقیه متأهل بوده‌اند. از نظر مقطع تحصیلی، ۸۹ درصد از پاسخگویان در مقطع کارشناسی، ۲/۸ درصد در مقطع کاردانی و ۷/۴ درصد در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کرده‌اند.

#### مقایسه سه سنجه از نظر تعیین میزان دینداری پاسخگویان

اولین پرسش این تحقیق این بود که آیا سنجه‌های منتخب سطح دینداری را به صورت متفاوتی برآورد می‌کنند؟ برای قابل مقایسه شدن نتایج نمرات افراد در هر سه سنجه محدوده بین ۱ تا ۵ محاسبه شده‌اند. همان‌طور که در جدول شماره ۵ آمده است، هر سه سنجه میزان دینداری پاسخگویان را در حد بالایی برآورد کرده‌اند. میانگین نمره کل دینداری در دو سنجه گلاک و استارک و شجاعی‌زند نزدیک و تقریباً یکسان است (به ترتیب ۳/۷۳ و ۳/۷۹). میانگین نمره کل دینداری در سنجه خدایاری فرد ۴/۰۲ است. بنابراین، سنجه خدایاری فرد اندکی میزان دینداری را بالاتر نشان می‌دهد. لازم به یادآوری است که تفاوت‌های مشاهده شده بین سنجه‌ها حتی اختلاف اندک بین دو سنجه شجاعی‌زند و گلاک و استارک، براساس آزمون‌های  $t$  و  $F$ ، از نظر آماری معنی‌دار و قابل تعمیم به جمعیت است. به عبارت دیگر، سنجه خدایاری فرد «سهل‌گیرانه‌تر» از دو سنجه دیگر دینداری را می‌سنجد. از نظر انحراف معیار، هر سه سنجه تقریباً مشابه به هم هستند و پراکندگی یکسانی را در میان پاسخگویان نشان می‌دهند.

جدول شماره ۵. میانگین نمرات دینداری کل و ابعاد آن  
بر حسب سه سنجه دینداری مورد مطالعه\*

سنجه	بعد دینداری	میانگین	انحراف معیار
گلاک و استارک	دینداری کل	۳/۷۳	۰/۵۸
	اعتقادی	۴/۴۱	۰/۶۲
	تجربی / عاطفی	۴/۲۸	۰/۶۰
	پیامدی	۳/۲۲	۰/۸۶
	مناسکی	۳/۰۲	۰/۷۴
شجاعی‌زند	دینداری کل	۳/۷۹	۰/۵۳
	اعتقادات	۴/۴۷	۰/۵۶
	عبادیات	۳/۱۸	۰/۷۵
	اخلاقیات	۳/۷۷	۰/۵۷
	شرعیات	۳/۸۰	۰/۷۰
خدایاری فرد	دینداری کل	۴/۰۲	۰/۵۳
	شناخت و باور دینی	۴/۳۵	۰/۵۷
	علائق و عواطف دینی	۳/۹۵	۰/۵۱
	التزام و عمل به وظایف دینی	۳/۸۲	۰/۵۸

\* تمامی سطوح معناداری در تحلیل تفاوت بین سه سنجه و مقایسه دوبه‌دوی

آن‌ها، ۰/۰۰۰ است.

علاوه بر مقایسه میانگین نمرات دینداری در سه سنجه مورد بررسی، مقایسه فراوانی سطوح مختلف دینداری بین این سه سنجه نیز مفید است. برای طبقه‌بندی نمرات دینداری در سه سنجه مورد بررسی، محدوده نمرات که بین ۱ تا ۵ قرار دارند، به سه سطح پایین، متوسط و بالا تقسیم شده‌اند. نتایج در جدول شماره ۶ آمده است. بر این اساس، در سنجه گلاک و استارک، ۷۳/۳ درصد و در سنجه شجاعی‌زند، ۶۹/۶ افراد نمونه دارای دینداری سطح بالا بوده‌اند. در مقابل، در سنجه خدایاری فرد، ۸۳/۴ درصد افراد، دینداری سطح بالایی داشته‌اند. این یافته به‌نوعی مؤید دوباره سهل‌گیرانه‌تر بودن سنجه خدایاری فرد است. با مقایسه فراوانی سطح پایین در سنجه‌های مورد بررسی نیز تمایز سنجه خدایاری فرد از دو سنجه دیگر نشان داده می‌شود. در سنجه گلاک و

استارک، ۲/۵ درصد و در سنجه شجاعی زند ۲/۸ درصد نمونه دینداری سطح پایین دارند. این در حالی است که در سنجه خدایاری فرد، تنها ۱/۲ درصد نمونه دینداری سطح پایین دارند.

جدول شماره ۶. سطح بندی دینداری کل و ابعاد آن  
بر حسب سه سنجه مورد مطالعه

سطوح دینداری			بعد دینداری
بالا	متوسط	پایین	
۷۳/۳	۲۴/۲	۲/۵	گلاک و استارک
۶۹/۶	۲۷/۶	۲/۸	شجاعی زند
۸۳/۴	۱۵/۳	۱/۲	خدایاری فرد

از نظر ارزیابی سطح دینداری پاسخگویان در ابعاد مختلف دینداری، همان‌طور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، تقریباً الگوی مشابهی در درون هر یک از سنجه‌ها مشاهده می‌شود. در هر سه سنجه نمره پاسخگویان در ابعاد اعتقادی و عاطفی / تجربی بیش از ابعاد مناسکی / عبادی و پیامدی / عملی / اخلاقی بوده است. در سنجه گلاک و استارک نمره پاسخگویان در دو بُعد اعتقادی و تجربی به ترتیب ۴/۲۸ و ۴/۴۱ است در حالی که نمره آنان در دو بُعد مناسکی و پیامدی به ترتیب ۳/۰۲ و ۳/۲۲ است. همین الگو در سنجه شجاعی زند هم به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که نمره دینداری پاسخگویان در بعد اعتقادات ۴/۴۷، بعد عبادیات ۳/۱۸ و ابعاد اخلاقیات و شرعیات به ترتیب ۳/۷۷ و ۳/۸۰ است. در سنجه خدایاری فرد هم که سهل‌گیرانه‌ترین سنجه از نظر برآورد میزان دینداری است، نمره افراد در بعد التزام و عمل به وظایف دینی ۳/۸۲ است. در حالی که نمره آنان در دو بعد شناخت و باور دینی و علایق و عواطف دینی به ترتیب ۴/۳۵ و ۳/۹۵ است. در عین حال تفاوت نمره افراد در ابعاد دینداری، در سنجه خدایاری فرد کمتر از دو سنجه دیگر است.

#### ۳-۴. مقایسه سه سنجه از نظر تعیین رابطه دینداری با سایر متغیرها

با توجه به این‌که یکی از هدف‌های استفاده از سنجه‌های دینداری در پژوهش‌های اجتماعی آزمون رابطه دینداری با سایر متغیرهاست، پرسش دوم این پژوهش این بود

که آیا استفاده از سنجه‌های مختلف رابطه متغیرها با دینداری را متفاوت برآورد می‌کند؟ برای این منظور رابطه دینداری براساس این سه سنجه با متغیرهای کجروی، آنومی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و جنسیت محاسبه و در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود براساس هر سه سنجه، شدت رابطه دینداری با متغیرهای کجروی و آنومی تقریباً برابر و در حد متوسط است (بین ۰/۴۳- و ۰/۴۹-). همچنین رابطه بین دینداری و پایگاه اجتماعی و اقتصادی و جنسیت نیز بر اساس سه سنجه تقریباً یکسان و در حد ضعیف است (بین ۰/۱۴- تا ۰/۲۰- برای پایگاه و بین ۰/۱۱ و ۰/۱۶ برای جنسیت). بنابراین سنجه‌های متفاوت دینداری منجر به نتیجه متفاوتی در آزمون رابطه دینداری و متغیرهای مورد بررسی نشده‌اند.

جدول شماره ۷. ضرایب همبستگی دینداری با متغیرهای مرتبط با دینداری

Eta	همبستگی پیرسون			ابعاد دینداری
	نمره	نمره آنومی	پایگاه	
۰/۱۱۴	-۰/۴۳	-۰/۴۶	-۰/۱۹	ضریب همبستگی
۰/۰۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری
۰/۱۱۲	-۰/۴۶	-۰/۴۶	-۰/۲۰	ضریب همبستگی
۰/۰۴۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۰/۱۵۹	-۰/۴۹	-۰/۴۵	-۰/۱۴	ضریب همبستگی
۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	سطح معناداری

۴-۴. مقایسه سه سنجه از نظر آزمون‌های اعتبار و پایایی همان‌طور که می‌دانیم، یکی دیگر از پرسش‌های اصلی این پژوهش بررسی مقایسه‌ای اعتبار و پایایی سه سنجه منتخب بود. در این جا براساس روش‌های معمول برای آزمون اعتبار و پایایی به بررسی مقایسه‌ای سنجه‌ها می‌پردازیم.

#### ۴-۴-۱. اعتبار معیار<sup>۱</sup>

اعتبار معیار با دو روش گروه معیار و سنجه معیار قابل بررسی است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، برای آزمون اعتبار معیار سنجه‌های مورد بررسی روش مراجعه به

1. criterion validity

گروه‌های معیار مورد استفاده قرار گرفته است. داده‌های به‌دست‌آمده از دو گروه ۳۵ نفری مجزا (یک گروه مشهور به کمتر دینداری و یک گروه مشهور به بیشتر دیندار در جامعه)، که در جدول شماره ۸ آمده، نشان می‌دهد که براساس هر سه سنجه، اختلاف بین نمره دینداری دو گروه معیار در حد معناداری است. با این وجود، این اختلاف در سنجه گلاک و استارک بیش از سنجه شجاعی‌زند و خدایاری‌فرد است (به ترتیب ۱/۴۹ و ۱/۲۵ و ۱/۲۳). هرچند شجاعی‌زند و خدایاری‌فرد از نظر نشان دادن تفاوت دو گروه تقریباً یکسان هستند، ولی از آن‌جا که سنجه خدایاری‌فرد سنجه سهل‌گیرانه‌تری است، حتی نمره گروه کمتر دیندار را بیش از حد متوسط نشان می‌دهد، درحالی‌که در دو سنجه گلاک و استارک و شجاعی‌زند نمره این گروه کمتر از حد متوسط (۳) شده است. بدین ترتیب با توجه به آزمون اعتبار معیار گروه، سنجه گلاک و استارک از بیشترین و سنجه خدایاری‌فرد از کمترین اعتبار برخوردار است. محاسبه ضریب همبستگی افتراقی بین دو گروه معیار نیز این یافته را تأیید می‌کند. ضریب همبستگی افتراقی (Eta) برای سنجه گلاک و استارک بیشتر از این مقدار در دو سنجه دیگر است.

جدول شماره ۸. میانگین نمرات کل دینداری دو گروه معیار مورد بررسی  
(میانگین از ۵)

خدایاری‌فرد	شجاعی‌زند	گلاک و استارک	
۴/۵۶	۴/۱۲	۴/۲۳	میانگین گروه بیشتر دیندار
۳/۳۳	۲/۸۷	۲/۷۴	میانگین گروه کمتر دیندار
۱/۲۳	۱/۲۵	۱/۴۹	تفاوت بین میانگین دو گروه
۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۸۱	Eta
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

از نظر اعتبار معیار براساس سنجه معیار، تنها راه ممکن برای بررسی این است که هر سه سنجه را معتبر فرض کنیم و ضریب همبستگی نمره افراد در یک سنجه با دو سنجه دیگر را مبنای مقایسه قرار دهیم. ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات سنجه‌ها حکایت از اعتبار بالای سنجه‌ها دارد، به طوری‌که ضریب همبستگی پیرسون هر سنجه با دو سنجه دیگر حدود ۰/۹ به دست آمده است.

#### ۴-۴-۲. اعتبار سازه<sup>۱</sup>

همان‌طور که پیشتر مطرح شد، پژوهش‌های معتبر پیشین نشان داده‌اند که بین دینداری و متغیرهای جنسیت، کجروی، آنومی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی رابطه وجود دارد. نشان‌دادن این رابطه می‌تواند مبنایی برای آزمون اعتبار سازه برای سه سنجه مورد بررسی باشد. پیشتر در جدول شماره ۷ ضریب همبستگی این سه سنجه با متغیرهای مورد نظر ملاحظه شد. این ضرایب نشان می‌دهند که هر سه سنجه رابطه بین دینداری و این متغیرها را نشان می‌دهند و تفاوت شدت رابطه دینداری در سه سنجه با هر متغیر هم ناچیز (حداکثر ۰/۰۶) است. در نتیجه از نظر آزمون اعتبار سازه هر سه سنجه مورد بررسی از اعتبار تقریباً یکسانی برخوردارند.

#### ۴-۲-۳. آزمون پایایی<sup>۲</sup>

آزمون پایایی برای هر سنجه با دو روش انجام شد: محاسبه آلفای کرونباخ<sup>۳</sup> و محاسبه ضریب همبستگی بین دو نیمه مقیاس<sup>۴</sup>. نتایج نشان می‌دهد که ضریب آلفای کرونباخ هر سه سنجه در حد کاملاً رضایت‌بخشی بالا است (برای سنجه‌های گلاک و استارک، شجاعی‌زند و خدایاری‌فرد به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۰ و ۰/۹۸). نکته قابل توجه در این‌جا، ضریب پایایی بسیار بالا در سنجه خدایاری‌فرد است که عددی نزدیک به ۱ را نشان می‌دهد. این بزرگی قابل ملاحظه ناشی از زیادی‌گویی‌های سنجه خدایاری‌فرد (۱۱۳ گویه) در مقایسه با تعداد گویه‌های دو سنجه دیگر (حدود ۳۰ گویه) است. علاوه بر این، سنجه خدایاری‌فرد شامل تعدادی گویه‌های مشابه است که اگرچه دقیقاً با هم منطبق نیستند، اما از نظر مفهومی هم‌پوشانی بسیاری با هم دارند. همین مسئله خود، عاملی در جهت افزایش ضریب آلفای کرونباخ مقیاس است.

پایایی سنجه‌های سه‌گانه به روش دو نیمه‌سازی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در این روش، گویه‌های هر مقیاس به‌طور تصادفی به دو بخش تقسیم شد و با محاسبه همبستگی میان این دو بخش، پایایی مقیاس بررسی شد.

ضریب همبستگی میان دو نیمه مقیاس برای سنجه گلاک و استارک، شجاعی‌زند، و خدایاری‌فرد به ترتیب برابر ۰/۶۴، ۰/۷۵ و ۰/۸۵ است. بنابراین، با معیار دو نیمه‌سازی نیز سنجه خدایاری‌فرد از پایایی بیشتری برخوردار است. این امر نیز ناشی از همان دلیلی است که درباره بزرگی ضریب آلفای کرونباخ آن مطرح شد؛ یعنی شمار زیاد گویه‌ها (۱۱۳ گویه).

1. construct validity  
3. Cronbach's Alpha

2. reliability  
4. Split halt



### نتیجه‌گیری

پرسش‌های اصلی این مقاله این بود که، آیا سه سنجه مورد بررسی از نظر تعیین سطح دینداری جمعیت مورد مطالعه، تعیین رابطه دینداری با سایر متغیرها و نیز از نظر اعتبار و پایایی متفاوت هستند یا خیر؟ برای این منظور سه سنجه دینداری به‌طور همزمان بر روی یک جمعیت واحد اعمال شدند.

در ارتباط با تعیین سطح دینداری، سنجه خدایاری فرد دینداری نمونه مورد مطالعه را بیش از دو سنجه دیگر نشان داد (میانگین نمرات ۴/۰۲ از ۵). دو سنجه شجاعی‌زند و گلاک و استارک از این حیث تقریباً یکسان بودند (میانگین به دست آمده به ترتیب ۳/۷۹ و ۳/۷۳ بود). به عبارت دیگر، سنجه خدایاری فرد سطح دینداری جمعیت را سهل‌گیرانه‌تر و در حد قابل ملاحظه‌ای بالا برآورد می‌کند. در عین حال در هر سه سنجه از نظر تفاوت نمره افراد در ابعاد درونی، نمره پاسخگویان در ابعاد اصطلاحاً نرم دینداری (اعتقادی و عاطفی/ تجربی) در مقایسه با سایر ابعاد (عبادی/ مناسکی و پیامدی/ اخلاقی) بیشتر بود و از این حیث در هر سه سنجه الگوی یکسانی مشاهده شد. این یافته می‌تواند یافته قابل توجهی باشد. شاید به نوعی با توجه به این یافته، بتوان ادعای برخی پژوهشگران حوزه دین به‌ویژه روان‌شناسانی مانند گلزاری (۱۳۸۴) را که معقدند به جای سنجش عام دینداری باید به سنجش رفتار و عمل دینی پرداخت، مورد بررسی جدی‌تری قرار داد. به نظر آنان، اعتقادات و نگرش‌های دینی واریانس قابل توجهی ندارند، و در نتیجه، معرف‌های مناسبی برای تعیین سطوح التزام دینی نیستند.

با وجود الگوی مورد اشاره در بالا، تفاوت بین میانگین نمرات ابعاد در دو سنجه گلاک و استارک و شجاعی‌زند بیشتر از سنجه خدایاری فرد است، به طوری که تفاوت بین نمرات ابعاد دینداری در دو سنجه گلاک و استارک و شجاعی‌زند گاه تا حد ۱/۳۹ واحد بوده، در حالی که این تفاوت در سنجه خدایاری فرد، حداکثر به ۰/۵۴ رسیده است.

بر اساس این یافته‌ها، تا آنجا که تعیین سطح دینداری یک جمعیت مورد نظر است، دو سنجه شجاعی‌زند و گلاک و استارک تفاوتی ندارند و پژوهشگران می‌توانند برای سنجش دینداری بدون دغدغه از هر کدام استفاده کنند. اما سنجه خدایاری فرد سطح دینداری را قدری بزرگ‌نمایانه برآورد می‌کند و توان تمایزگذاری بین ابعاد آن هم کمتر است. در نتیجه از مطلوبیت کمتری در مقایسه با دو سنجه دیگر برخوردار است. باید افزود که طولانی بودن سنجه خدایاری فرد هم، که شاید دلیل اصلی آسان‌گیرانه بودن آن باشد، از مطلوبیت اجرایی آن می‌کاهد. شاید اگر سنجه خدایاری فرد بتواند با کاستن از شمار گویه‌ها در حد دو سنجه دیگر کوتاه شود، تفاوت آن با دو سنجه دیگر تقلیل یابد و از میزان بزرگ‌نمایی آن کاسته شده و مطلوبیت اجرایی آن هم بیشتر شود.

در ارتباط با پرسش دوم یعنی تفاوت نتایج در بررسی رابطه دینداری با سایر متغیرها، داده‌های این تحقیق نشان داد که سه سنجه نتایج تقریباً مشابهی داشتند و شدت رابطه دینداری با متغیرهای کجروی، انومی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و جنسیت براساس سه سنجه تقریباً یکسان بود. در نتیجه تا آن‌جا که پژوهشگران در پی بررسی رابطه دینداری با سایر متغیرها هستند، براساس یافته‌های این تحقیق، کاربرد هر یک از سه سنجه منجر به تفاوتی در نتیجه نمی‌شود با وجود این همان‌طور که پیشتر اشاره شد، سنجه خدایاری فرد به دلیل طولانی بودن از مطلوبیت اجرایی برخوردار نیست.

از نظر مقایسه اعتبار و پایایی، یافته‌ها نشان داد که هر سه سنجه از اعتبار و پایایی مطلوبی برخوردارند. از نظر اعتبار سازه (رابطه میزان دینداری با متغیرهایی مثل کجروی، انومی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و جنسیت) سه سنجه تقریباً وضع یکسانی داشتند. اما از نظر اعتبار معیار که اهمیت زیادی در آزمون اعتبار سنجه‌ها دارد، سنجه گلاک و استارک از مناسبت بیشتر برخوردار بود، زیرا تفاوت دینداری بین دو گروه شناخته شده کمتر دیندار و بیشتر دیندار را بهتر نشان داد. در مقابل، سنجه خدایاری فرد کمترین تفاوت را بین دو گروه معیار نشان داد، در حدی که نمره گروه کمتر دیندار در این سنجه از متوسط نمره دینداری بالاتر بود.

از نظر اعتبار معیار براساس سنجه معیار، با فرض معیار بودن هر یک از سنجه‌ها برای دو سنجه دیگر، ضریب همبستگی بین آن‌ها حدود ۰/۹۰ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار بالای سنجه‌هاست.

در مورد پایایی سنجه‌ها نیز باید گفت که هر سه سنجه از پایایی رضایت‌بخشی برخوردار بودند (آلفای ۰/۹۰ و بیشتر). با این حال، ضرایب پایایی سنجه خدایاری فرد بیش از دو سنجه دیگر بود. بیشتر بودن ضرایب پایایی سنجه خدایاری فرد به دلیل شمار زیاد گویه‌های آن است، یعنی همان عاملی که مطلوبیت اجرایی آن را کاهش می‌دهد.

براساس یافته‌های فوق، می‌توان گفت که با توجه به رضایت‌بخش بودن آزمون‌های اعتبار و پایایی برای هر سه سنجه، دو سنجه شجاعی‌زند و گلاک و استارک، که در مقایسه با سنجه خدایاری فرد، تمایز دو گروه معیار و تمایز بین ابعاد را بیشتر نشان می‌دهند و همچنین شمار گویه‌های آن‌ها تقریباً یک‌چهارم شمار گویه‌های خدایاری فرد است، از مطلوبیت بیشتری برخوردارند. نتیجه‌گیری دیگر این پژوهش می‌تواند این باشد، که به‌رغم انتقاداتی که به‌لحاظ نظری به سنجه بومی شده مبتنی بر مدل گلاک و استارک شده است و آن را برای اسلام و ایران نامناسب دانسته‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴)، مناسبت و شایستگی این سنجه از نظر تجربی از مدل رقیب خود، کمتر نیست و حتی از نظر اعتبار گروه معیار اندکی هم بیشتر است. بنابراین، می‌توان

گفت که نتایج به‌دست‌آمده به‌نوعی می‌تواند تأییدی بر ادعای عام و جهانی بودن مدل دینداری گلاک و استارک و کفایت سنجه بومی شده مبتنی بر آن باشد.

با وجود تحلیل یادشده در بالا در مورد همسانی تقریبی کاربرد دو سنجه شجاعی‌زند و گلاک و استارک، باید دو نکته مهم را یادآور شویم. نخست این‌که مدل سنجش دینداری شجاعی‌زند دارای بعدی مانند ایمانیات (مؤمن‌بودن) است که، همان‌طور که طراح مدل مطرح کرده با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و روش‌های کمی قابل سنجش نیست (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴). در نتیجه، ممکن است برای سنجش و یا ارزیابی غیرکمی دینداری مدل شجاعی‌زند از مدل گلاک و استارک کفایت بیشتری داشته باشد، هرچند که موضوع سنجش دینداری اصولاً در پژوهش کمی مطرح است.

به‌علاوه، از آن‌جا که سنجه شجاعی‌زند برخلاف سنجه گلاک و استارک - که در پژوهش‌های متعدد مورد استفاده قرار گرفته - در این پژوهش برای دومین بار به کار رفته است، نیاز است این سنجه با آزمون‌های تجربی بیشتری مورد بازنگری قرار گیرد. برای این سنجه (و حتی برای سنجه مبتنی بر مدل گلاک و استارک) هنوز این امکان وجود دارد که با ایجاد تغییراتی در گویه‌ها و معرف‌های ابعاد، منقح‌تر و دقیق‌تر شود.

یافته‌های این پژوهش تا حدی می‌تواند این بحث را تقویت کند مادامی‌که دین، به‌خصوص ادیان ابراهیمی، براساس یک تعریف جوهری از دین، مورد توجه‌اند، ابعاد دین و دینداری در مدل‌های مختلف بسیار مشابه، و علی‌رغم نام‌های متفاوتی که در هر مدل بر آن‌ها گذاشته می‌شود، متناظر هستند. البته ممکن است تأکیدات یک دین خاص بر بعدی از ابعاد دینداری بیشتر باشد ولی همه ابعاد تا حدی در همه ادیان قابل تمیز هستند. در نتیجه، دین به‌عنوان پدیده‌ای جهانی می‌تواند، در همه جوامع با ابعاد واحدی شناخته شود و دینداری در همه ادیان می‌تواند براساس مدل‌های واحدی سنجیده شوند. تا آن‌جا که به سنجه دینداری مربوط می‌شود، یافته‌های این پژوهش بر این امر دلالت دارد که مسئله تفاوت ادیان و جوامع قبل از آن‌که تفاوت در مدل باشد تفاوت در محتوی و مضمون مدل است. تلاش برای بومی‌کردن سنجه‌های دینداری (چنانچه مدلی از کفایت نظری و تجربی برخوردار باشد) در واقع تلاش برای پرکردن مدل (به‌عنوان قالب) با محتوای مشخص یک دین در جامعه و فرهنگ خاص است و نه لزوماً ابداع مدلی جدید. با وجود این، تلاش‌هایی که برای ابداع مدل‌های جدید صورت می‌گیرد باعث می‌شود تا مدل‌های سنجش دینداری از کفایت نظری و تجربی بیشتری برخوردار شوند. سخن آخر این‌که، موضوع رسیدن به سنجه‌ای اجماعی و معیار برای دینداری، همان‌طور که پیشینه موضوع در بین پژوهشگران غربی نشان می‌دهد (نگاه کنید به هیا و هود، ۱۹۹۸)، شاید

هدفی دست‌نیافتنی باشد. با این حال، تلاش برای نزدیک‌تر شدن به سنجه معیار در تحقیقات تجربی دینداری در ایران ادامه می‌یابد. درعین حال یافته‌های این تحقیق نشان داد، زمانی که هدف پژوهشگران بررسی رابطه دینداری با سایر متغیرها باشد (و اکثر پژوهش‌هایی که مبادرت به ساختن سنجه دینداری می‌کنند، چنین هدفی دارند)، پژوهشگران ایرانی می‌توانند بدون دغدغه‌های نظری، با اطمینان تجربی و روش‌شناسانه هر یک از دو سنجه گلاک و استارک یا شجاعی‌زند را به کار ببرند.

### منابع

- پالس، دانیل (۱۳۸۲)، هفت نظریه در باب دین، ترجمه محمد عزیز بختیاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۸۶)، بررسی مقایسه‌ای سنجه‌های دینداری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۸۵)، آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری دانشجویان، دانشگاه تهران.
- خدایاری‌فرد، محمد (۱۳۸۴)، گستره پژوهش‌های داخلی در زمینه ساخت مقیاس‌های دینی، گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی، چاپ اول، صص ۴۴۹-۵۰۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران)، تهران: انتشارات سروش.
- سراج‌زاده، سیدحسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۲)، نگرش‌ها و رفتار دانشجویان؛ طرح پژوهشی دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، انتشارات پدیده گوتنبرگ.
- سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۸۳ الف)، بررسی رابطه دینداری نوجوانان و بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران: چالش‌های دین و مدرنیته، انتشارات طرح‌نو، صص ۱۶۴-۱۹۶.
- سراج‌زاده، سید حسین، «نیمة پنهان، گزارش نوجوانان شهر تهران از کجروی‌های اجتماعی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی»، پژوهش‌نامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی؛ شماره ۴۱ و ۴۲، ۱۳۸۳ ب، صص ۵۳-۸۴.
- سراج‌زاده، سید حسین و مهناز توکلی (۱۳۸۳)، «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، از کتاب چالش‌های دین و مدرنیته، انتشارات طرح‌نو، صص ۵۷-۸۷.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۸۷)، دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)، سازمان انتشارات کیهان.
- شجاعی‌زند، علیرضا، مدلی برای سنجش دینداری در ایران؛ مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱، صص ۳۴-۶۶.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸)، دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش، نقل از خدایاری‌فرد.

طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴)، *سنجش دینداری و ارزیابی مدل اندازه‌گیری آن*، گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۴)، *تحرك اجتماعي و مهاجرت*، پایان‌نامه دکتري، دانشگاه تهران.

کاظمی، عباس و مهدی فرجی (۱۳۸۵)، *بررسی سنجه‌های مرتبط با دین در ایران: سازمان تبلیغات اسلامی*.

گلزاری، محمود (۱۳۸۴)، *فرم تجدید نظر شده مقیاس عمل به باورهای دینی*، چکیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، *رفتارهای فرهنگی ایرانیان*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- Albelaikhi, Abdulaziz Abdurrahman (1997) "Development of a Muslim Religiosity Scale", PhD. Dissertation, University of Rhode ISLAND.
- Glock, Charles Y. and Rodney Stark (1965) *Religion and Society in Tension*, Chicago: Rand McNally.
- Greil, Arthur. L. and Thomas Robins (1994) "Exploring the Boundries of the Sacred", *Religion and Social Order*, 4:1-23.
- Hill Peter and Houd. Ralf (1998) *Measures of Religiosity*, Religious Education Press.
- Johnson. Byron R., Sung Joon Jang., David B. Larson and Spencer De Li (2001) "Does Adolescent Religious Commitment Matter? A Re-examination on the Effects of Religiosity on Delinquency", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 38, No.1.
- Perry. Tonya R. (2007) "*Religiosity and Risk; the Influence of Adolescent Faith on Behavior*", Vol. 38, No. 1.
- Serajzadeh, Seyed Hossein (1998) "Muslims Religiosity & Delinquency: An Examination of Iranian Youth", PhD. Dissertation Essex University.
- Witten, Dell-Autum (2005) *Religion and Delinquency in the Context of Race and Place*, University of Maryland.

ضمیمه

گویه‌های سه سنجه دینداری مورد مطالعه به تفکیک هر سنجه

ردیف	محتوای گویه / سؤال
	سنجه گلاک و استارک (ابعاد: ۱. اعتقادی، ۲. تجربی، ۳. پیامدی، ۴. مناسکی)
۱	شیطان واقماً وجود دارد
۲	اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم، فساد و فحشا همه جا را پر می‌کند

۳	در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم خواهند رفت
۴	قرآن کلام خداوند است و هرچه می‌گوید حقیقت محض است
۵	این دنیای پر از ظلم و جور با ظهور حضرت مهدی(عج) پر از عدل و داد خواهد داشت
۶	من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم
۷	هنوز مطمئن نیستم که خداوند واقعاً وجود دارد
۸	کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی‌ترسد
۹	گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام
۱۰	بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است
۱۱	هر گاه به حرم یکی از امامان و اولیا می‌روم احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد
۱۲	بعضی وقت‌ها احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد
۱۳	گاهی احساس توبه می‌کنم و از خداوند می‌خواهم تا برای جبران گناهانم به من کمک کند
۱۴	در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید این قدر سخت‌گیری کرد
۱۵	تقلب در پرداخت مالیات کار نادرستی است
۱۶	رهبران سیاسی باید کاردان باشند، مذهبی بودن یا نبودنشان چندان مهم نیست
۱۷	به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد
۱۸	با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد
۱۹	زنان هم باید بتوانند در مسابقات ورزشی مثل فوتبال به عنوان تماشاچی شرکت کنند
۲۰	هر چند وقت یک‌بار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید
۲۱	در ایام ماه رمضان (چنانچه مریض یا مسافر نباشید) چقدر روزه می‌گیرید
۲۲	تا چه حد قرآن می‌خوانید
۲۳	تا چه حد با مسجد محل، هیئت مذهبی یا هر مؤسسه اسلامی دیر همکاری دارید
۲۴	آیا نماز می‌خوانید
۲۵	آیا در نماز جمعه شرکت می‌کنید
۲۶	آیا در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها که در مساجد و تکیه‌ها تشکیل می‌شود شرکت می‌کنید
سنجۀ شجاعی زند (ابعاد: ۱. اعتقاد، ۲. عبادیات، ۳. اخلاقیات، ۴. شرعیات)	
۱	تمام هستی مخلوق خداوندی است که شریکی ندارد
۲	محمد(ص) از جانب خدا به پیامبر مبعوث شده است
۳	قرآن کتاب الهی و کلام خداست و هرآنچه می‌گوید حقیقت محض است
۴	در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود، نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم خواهند رفت
۵	وقتی با کسی قرار می‌گذارم یا قولی به کسی می‌دهم، سعی می‌کنم تا حد امکان به‌موقع به قولم عمل کنم
۶	در مقابل مردان نامحرم موهایم را کاملاً می‌پوشانم (ویژه زنان)

۷	از نظر من آرایش غلیظ زن در مقابل مردان نامحرم هیچ اشکالی ندارد
۸	از نظر من پوشیدن لباس‌های تن و چسبان چه برای مرد و چه برای زن، اشکالی ندارد
۹	از نظر من استفاده از دستبند، انگشتر و زنجیر طلا برای مردان اشکالی ندارد (ویژه مردان)
۱۰	در حد توان اهل امور خیر هستم
۱۱	در صورت اقتضای شرایط اهل امر به معروف و نهی از منکر هستم
۱۲	در هیچ شرایطی حاضر به دروغ گفتن نیستم
۱۳	وقتی دستم به چیز نجسی آلوده می‌شود در اولین فرصت آن را می‌شویم
۱۴	با آن دسته از دوستان یا فامیل که پایبندی دینی چندانی ندارند، کمتر رفت‌وآمد می‌کنم
۱۵	در انتخاب همسر به ملاک‌های دینی اهمیت زیادی می‌دهم
۱۶	دینداری تنها به قلب پاک است، نه عمل به دستورات دینی
۱۷	از نظر من نگاه همراه با لذت به نامحرم حرام است
۱۸	از نظر من خوردن شراب (نوشیدنی الکلی) حرام است
۱۹	در کمک به دیگران انتظار جبران متقابل ندارم
۲۰	آزار و اذیت دیگران را فراموش نمی‌کنم، اما آن‌ها را می‌بخشم
۲۱	آیا نماز می‌خوانید
۲۲	چقدر پیش می‌آید که بدون هر گونه عذر شرعی روزه‌های ماه رمضان خود را نگیرید
۲۳	آیا اهل شرکت در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها هستید
۲۴	تا چه حد اهل شرکت در مراسم شب‌های احیا در ماه رمضان هستید
۲۵	هرچند وقت یک‌بار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید
۲۶	تا چه حد قرآن می‌خوانید
۲۷	تا چه حد در مجالس دعا در مساجد هیئت‌ها و اماکن مذهبی شرکت می‌کنید
۲۸	کدام یک از موارد زیر جزو ارکان نماز «نیست»؟ ۱. سلام نماز ۲. تکبیرة الاحرام ۳. قیام متصل به رکوع
۲۹	پیامبر اسلام در چه ماهی مبعوث شد؟ ۱. رجب ۲. شعبان ۳. ربیع‌الاول
سنجۀ خنایاری فرد (ابعاد: ۱. شناخت و باور دینی، ۲. علائق و عواطف دینی، ۳. التزام و عمل به وظایف دینی)	
۱	اعمال انسان‌ها در روز قیامت مورد رسیدگی قرار می‌گیرد
۲	پیشرفت علم مانع شناخت خداست
۳	پیامبران و امامان هدایت‌کننده انسان به سوی خداوند هستند
۴	اعتقادات دینی موجب عقب‌ماندگی زندگی دنیوی می‌شود
۵	اسلام بیان‌کننده احکام اساسی لازم برای سعادت بشر است

۶	هر گاه به زیارت امام رضا (ع) می‌روم احساس معنوی عمیقی در خود می‌یابم
۷	در زندگی من حوادثی رخ داده که به عدالت خدا شک کردم
۸	در راه خدا حاضرم جان خود را فدا کنم
۹	حضرت محمد(ص) از طرف خداوند برای راهنمایی انسان‌ها مبعوث شده است
۱۰	به‌رغم مشکلات در زندگی خودم، سعی می‌کنم به دیگران کمک کنم
۱۱	ما هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر مسلمانان دیگر نداریم
۱۲	در صورت استطاعت مالی حتماً به حج و زیارت خانه خدا خواهیم رفت
۱۳	برای رشد و تعالی معنوی عمل به احکام دینی ضرورت دارد
۱۴	احسان و نیکی به دیگران را وظیفه دینی خود می‌دانم
۱۵	دنیا وسیله رسیدن به آخرت است
۱۶	دین همه سوالات مربوط به سعادت اخروی انسان را پاسخگوست
۱۷	نعمت‌های خداوند را شکر می‌کنم
۱۸	بدون ارتباط با خدا زندگی برای مفهومی ندارد
۱۹	مذهب فقط در امور معنوی کاربرد دارد و در سایر امور زندگی کاربردی ندارد
۲۰	روزه به حفظ سلامت معنوی من کمک کرده است
۲۱	سعی می‌کنم نماز قضا نشود
۲۲	اراده خداوند در همه کارها مؤثر است
۲۳	ترک محرمات را ضروری می‌دانم
۲۴	اعتقاد قلبی به اسلام مهم است و خواندن نماز ضرورت ندارد
۲۵	همه احکام و قوانین الهی منطبق بر حکمتی است
۲۶	اعتقاد به خدا در حل مشکلات زندگی کمک می‌کند
۲۷	آخرت را کسی ندیده پس نمی‌توان به آن باور داشت
۲۸	سعادت خود را از طریق عمل به قوانین الهی تضمین می‌کنم
۲۹	برای اعمالی که انجام می‌دهیم، در آخرت حساب و کتابی وجود ندارد
۳۰	امام حسین (ع) الگوی آزادمردی و آزادی است
۳۱	به عنوان وظیفه دینی به پدر و مادرم احترام می‌گذارم
۳۲	انسان بدون استفاده از دستورات پیامبران هم می‌تواند به سعادت کامل برسد
۳۳	جز خداوند کسی سزاوار پرستش نیست
۳۴	در رفع مشکلات زندگی، از خدا کمک می‌گیرم
۳۵	راه سعادت انسان‌ها اعتقاد و عمل به احکام الهی است



۳۶	مسلمانانی به خاطر اعتقادات خود از جوامع پیشرفت عقب مانده‌اند
۳۷	برای شناخت و عمل به احکام دین تقلید از مراجع را لازم می‌دانم
۳۸	به وجود فرشتگان و ملائکه اعتقاد دارم
۳۹	دین اسلام کامل‌ترین برنامه را برای سعادت انسان ارائه می‌کند
۴۰	پیامبران، کتاب‌های آسمانی و فرشتگان، ساخته ذهن و خیال ما هستند
۴۱	در همه شرایط زندگی تنها خدا را قابل پرستش می‌دانم
۴۲	کسب معلومات دینی وقت انسان را تلف می‌کند
۴۳	به دلیل وظیفه دینی به اصلاح بین افراد می‌پردازم
۴۴	بعد از مرگ زندگی اخروی وجود ندارد
۴۵	زندگی انسان با مرگ پایان نمی‌پذیرد
۴۶	پیروی از اولیای دین وظیفه همه ماست
۴۷	به خاطر آخرت، از لذت دنیا نمی‌توان چشم‌پوشی کرد
۴۸	خداوند با بندگانش به عدالت رفتار می‌کند
۴۹	هنگام ملاقات با جنس مخالف به او دست می‌دهم
۵۰	وقتی تنها هستم با خدا راز و نیاز می‌کنم
۵۱	سعی می‌کنم حتی الامکان دروغ نگویم
۵۲	در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی احساس حزن و اندوه می‌کنم
۵۳	سفرهای سیاحتی را بر سفرهای زیارتی ترجیح می‌دهم
۵۴	در صورت وجود شرایط، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنم
۵۵	به تعهدات و پیمان‌های خود، حتی در شرایط سخت زندگی، پایبندم
۵۶	دوست دارم فرزندم را معتقد به دین اسلام تربیت کنم
۵۷	با افرادی که حقوق دیگران را ضایع می‌کنند ولی به من منتفع می‌رسانند دوست می‌شوم
۵۸	مفید هستم قضای روزه‌هایی را که نگرفته‌ام به‌جا آورم
۵۹	در گوش دادن به آهنگ‌های مختلف احکام شرعی را در نظر می‌گیرم
۶۰	در صورت انجام گناه احساس پشیمانی می‌کنم
۶۱	از دست دادن مال دنیا مرا اندوهگین می‌کند
۶۲	اگر نتوانم رفتار دیگران را تغییر دهم در دل از آن بیزار می‌جویم
۶۳	نماز من را از انجام عمل زشت و گناه باز داشته است
۶۴	در معاشرت با جنس مخالف، رعایت حدود اسلامی را لازم می‌دانم
۶۵	اعتقاد به خداوند باعث افزایش عزت نفس در من شده است

۶۶	کسب علم را وظیفه دینی خود می‌دانم
۶۷	از سخنان لنو بیپهوده پرهیز می‌کنم
۶۸	اگر نماز قضا شود ناراحت می‌شوم
۶۹	وظیفه ایمانی من ایجاب می‌کند که با مردم با خوشرویی برخورد کنم
۷۰	روحیه دینداری ایجاب می‌کند که مؤمنان را خوب بدانم مگر این‌که خلاف آن ثابت شود
۷۱	اگر رفتار زشتی از کسی ببینم «در صورتی‌که احتمال تأثیر بدهم» او را نهی‌ازمنکر می‌کنم
۷۲	زندگی دنیوی برایم عزیزتر از زندگی اخروی است
۷۳	امر به معروف و نهی‌ازمنکر وظیفه‌ای است که من کوشش دارم آن را انجام دهم
۷۴	برای حل مشکلات به اولیای خدا توسل می‌کنم
۷۵	برای جلب رضای خدا در جهت رفع اختلافات مردم کوشش می‌کنم
۷۶	آرزوی من زیارت خانه خداست
۷۷	در همه امور به خدا توکل می‌کنم و از او کمک می‌جویم
۷۸	با وجود ناملایمات در زندگی شکرگزار خداوند هستم
۷۹	از آن چه خدا به من داده راضی و خشنودم
۸۰	اگر کسی مرا برنجاند انتقام می‌گیرم
۸۱	راز و نیاز با خدا را دوست دارم و به من آرامش می‌دهد
۸۲	در ماه رمضان روزه گرفتن زیاد برایم اهمیت ندارد
۸۳	اعتقادات دینی مرا از انجام کارهای ناپسند بازمی‌دارد
۸۴	همیاری و کمک به دیگران وظیفه دینی ماست
۸۵	اعتقادات دینی پایه و اساس رفتارم را شکل می‌دهد
۸۶	به‌هنگام کسب لذات دنیوی احکام شرعی را در نظر می‌گیرم
۸۷	زندگی‌ام را با در نظر داشتن اعتقادات دینی برنامه‌ریزی می‌کنم
۸۸	به خاطر خداوند از خطای دیگران در روابط بین فردی چشم‌پوشی می‌کنم
۸۹	برای رضای خدا از خطای دیگران چشم‌پوشی می‌کنم
۹۰	برای دفاع از اعتقادات حاضرم همه چیز حتی جان خود را فدا کنم
۹۱	اشتغال ذهنی به مسائل دنیوی مانع حضور قلبی‌ام در نماز خواندن می‌شود
۹۲	پیامبران و امامان را الگوی خود قرار می‌دهم
۹۳	در ماه رمضان سعی می‌کنم از گناه پرهیز کنم
۹۴	سعی می‌کنم برای غیر خدا تلاش نکنم
۹۵	خدا را به خاطر نعمت‌هایی که به من داده است شکر می‌کنم

۹۶	کتاب‌های دینی را مطالعه می‌کنم
۹۷	من در برابر مشکلات زندگی به خاطر خدا صبر کرده‌ام
۹۸	خوش اخلاقی و رفتار خوب با دیگران را وظیفه دینی خود دانسته و به آن عمل کرده‌ام
۹۹	اگر منافع شخصی‌ام ایجاب می‌کند، دروغ می‌گویم
۱۰۰	برای رضای خدا با مردم مدارا می‌کنم
۱۰۱	به حیات پس از مرگ تردید دارم
۱۰۲	نسبت به افرادی که با دین دشمنی می‌کنند احساس خوبی ندارم
۱۰۳	اموالی را که به‌سختی به دست آورده‌ام، نمی‌توانم در راه اعتقادات دینی مصرف کنم
۱۰۴	در انتخاب دوست، مذهبی‌بودن او برای اهمیت فراوان دارد
۱۰۵	در حل مشکلاتم راز و نیاز با خداوند را مؤثر نمی‌بینم
۱۰۶	یاد خدا آرامش قلبی در دلم ایجاد می‌کند
۱۰۷	سعی می‌کنم نماز را اول وقت بخوانم
۱۰۸	در امور زندگی، به دعا و توکل به خداوند احساس نیاز می‌کنم
۱۰۹	نسبت به سرنوشت مسلمانان دیگر احساس مسئولیت می‌کنم
۱۱۰	در برابر تعدی به حقوق دیگران، برای حفظ منافع خود سکوت می‌کنم
۱۱۱	در روابط با دیگران با صداقت رفتار می‌کنم
۱۱۲	سعی می‌کنم کارهایم مطابق با احکام اسلام باشد
۱۱۳	اطرافیانم را نسبت به ادای واجبات دینی و رعایت دستورات مذهبی تشویق می‌کنم

سید حسین سراج‌زاده، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران است (نویسنده مسئول).

serajsh@yahoo.com

محمد رضا پویافر، کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی و پژوهشگر جهاد دانشگاهی است.

pouyafar@yahoo.com

پرتال جامع علوم انسانی